



فرهیختگان

سه‌شنبه
۱۷ تیر ۱۴۰۴
۱۲ محرم ۱۴۴۷
۸ جولای ۲۰۲۵

شماره
۳ ۵ ۴
۱۶ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

FARHIKHTEGANONLINE
FARHIKHTEGANDAILY.COM

گزارش «فرهیختگان»
از منشاگرد و خاک‌های
چند روز اخیر پایتخت

مهمان‌های ناخوانده تهران از کجا آمدند؟

آمریکا و رژیم صهیون دولت لبنان و طبقه سیاسی این کشور را تحت فشار قرار داده‌اند تا مقاومت لبنان خلع سلاح را بپذیرد و در غیر این صورت، حملات صهیونیست‌ها ادامه یافته و تشدید خواهند شد. این درخواست درحالی مطرح می‌شود که واشنگتن و تل‌آویو تاکنون به تعهدات خود در قالب آتش‌بس جنگ سال ۲۰۲۴ عمل نکرده‌اند. صهیونیست‌ها همچنان لبنان را بمباران کرده و علاوه بر ترور اعضای مقاومت لبنان، پنج نقطه را در جنوب در اشغال داشته‌اند.

«تام باراک» سفیر آمریکا در ترکیه که به عنوان نماینده ویزه در امور سوریه نیز فعالیت می‌کند، با سفرهای متعدد به کشورهای منطقه و لبنان درصدد تغییر وضعیت در این کشور است. او که پیش از این ادعا کرده بود آمریکا باید به فکر حفاظت از جان «ابومحمد الجولانی» حاکم جدید سوریه باشد تا این عضو سابق القاعده و رئیس یکی از خطرناک‌ترین جریان‌های تکفیری منطقه را تقویت کند، حالا در بیروت حضور دارد تا برای تضعیف مقاومت فشارها را افزایش دهد اما به نظر می‌رسد برخلاف اظهارات خوشبینانه او، منطقه چندان با این برداشت‌های ساده و زود هنگام سازگار نیست.

۱- روند مشابه جنگ‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۲۴

پس از پایان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ که امروز از آن به عنوان «پیروزی مقاومت لبنان» یاد می‌شود، فشارها به شدت بر مقاومت برای خلع سلاح و دور شدن بیشتر از سیاست افزایش یافت. تلاش برای کنترل سیستم ارتباطی مقاومت و خلع سلاح تا سال‌ها پیگیری شد و پس از سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، بالاخره در سال ۲۰۰۹ با شکست مواجه شد. در حال حاضر هنوز یک سال از پایان جنگ میان لبنان و رژیم صهیونی نگذشته است. وقایع سال ۲۰۰۶ در حال تکرار است و از نظر راهبردی، این دو جنگ مشابهت‌هایی دارند. در هر دو جنگ، هدف اصلی نابودی مقاومت لبنان و اشغال جنوب بود که این امر در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۲۴ شکست خورد.

پس از پایان فاز نظامی و ناکامی در تحقق هدف اصلی، هدف دوم یا هدف فرعی بر خلع سلاح مقاومت و کاهش اثرات سیاسی آن تمرکز دارد. پس از پایان جنگ سال ۲۰۰۶، فشارهای سنگینی از سوی «فراد سنیه» نخست‌وزیر وقت و دولت‌ش برای خلع سلاح مقاومت و کنترل بر خط مخابراتی آن صورت گرفت که با شدت و ضعف تا سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ که کار به برخورد جدی میان طرفین کشید، ادامه داشت. حالا همان روند پس از جنگ ۲۰۲۴ آغاز شده و صرف شروع نشان‌دهنده پیروزی رژیم صهیونی نیست.

۲- ضایعه سقوط سوریه بر مقاومت لبنان سنگین است اما بی‌سابقه نیست

سقوط سوریه از چند جنبه باعث ایجاد تغییراتی در لبنان شد. نخستین اثر مسدود شدن مسیر تدارکات رسانی به مقاومت لبنان بود. معنای این تدارکات رسانی وسیع است. ارسال سلاح، تزریق نیرو به شکل اضطراری همانند اتفاقی که پس از واقعه پیجری رخ داد، میزبانی از آوارگان که در طول جنگ دو ماهه اتفاق افتاد، نقل و انتقال فرماندهان مقاومت از منطقه به سوریه و سپس حضور در لبنان بخشی از امکانات ارتباطی و تدارکات رسانی به لبنان بودند. سقوط سوریه، مسیر تدارکات رسانی مقاومت به لبنان را در جغرافیایی وسیع‌تر تضعیف کرد. احتمال شورش تکفیری‌ها در عراق که بخشی از جبهه انتقال تدارکات و حمایت‌ها به لبنان بوده است، این مسئله را نشان می‌دهد. همچنین سقوط سوریه نقشی مهم در حمله رژیم صهیونی به ایران ایفا کرد. صهیونیست‌ها تا پیش از این می‌دانستند حمله هوایی به ایران با واکنش گروه‌های محور مقاومت که در سوریه مستقرند، روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر سامانه‌های پدافندی سوریه، چه برای هشدار زودهنگام به سیستم دفاعی ایران و چه از نظر درگیری، به ایران کمک می‌کردند. سقوط سوریه با کشیدن تهدید و آتش به عراق و ایران، ضربه‌ای شدید به لبنان وارد آورد.

ادامه در صفحه ۷

۱۶

واقعیت‌هایی
از آمارهای اقتصادی
در شرایط پسا جنگ

بازار خودش را پیدا کرد

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با جواد قارایی که این روزها یکی از شفاف‌ترین مواضع را درباره تهاجم رژیم جعلی گرفت

بی‌حرمتی به مادرم ایران را بر نمی‌تابم

جنگ مدرن در آسمان‌ها شکل می‌گیرد

فناوری‌های ماهواره‌ای نگهبانان خاموش

«فرهیختگان» هم‌زمان با سفر نتانیاهو به آمریکا کشتار غیرنظامیان در ترازوی تجریش را بررسی می‌کند

جنایتکار جنگی در نیویورک

۲

۶

در لبنان چه می‌گذرد؟

کدام خلع سلاح؟

سید مهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

یادداشت

آمریکا و رژیم صهیون دولت لبنان و طبقه سیاسی این کشور را تحت فشار قرار داده‌اند تا مقاومت لبنان خلع سلاح را بپذیرد و در غیر این صورت، حملات صهیونیست‌ها ادامه یافته و تشدید خواهند شد. این درخواست درحالی مطرح می‌شود که واشنگتن و تل‌آویو تاکنون به تعهدات خود در قالب آتش‌بس جنگ سال ۲۰۲۴ عمل نکرده‌اند. صهیونیست‌ها همچنان لبنان را بمباران کرده و علاوه بر ترور اعضای مقاومت لبنان، پنج نقطه را در جنوب در اشغال داشته‌اند.

«تام باراک» سفیر آمریکا در ترکیه که به عنوان نماینده ویزه در امور سوریه نیز فعالیت می‌کند، با سفرهای متعدد به کشورهای منطقه و لبنان درصدد تغییر وضعیت در این کشور است. او که پیش از این ادعا کرده بود آمریکا باید به فکر حفاظت از جان «ابومحمد الجولانی» حاکم جدید سوریه باشد تا این عضو سابق القاعده و رئیس یکی از خطرناک‌ترین جریان‌های تکفیری منطقه را تقویت کند، حالا در بیروت حضور دارد تا برای تضعیف مقاومت فشارها را افزایش دهد اما به نظر می‌رسد برخلاف اظهارات خوشبینانه او، منطقه چندان با این برداشت‌های ساده و زود هنگام سازگار نیست.

بررسی وضعیت مقاومت لبنان

خلع سلاح و تضعیف مقاومت لبنان موضوعی پیچیده است، درحالی‌که آمریکا و رژیم صهیونی قصد دارند با نادیده گرفتن این پیچیدگی‌ها، ادعای پیروزی در نبردهای منطقه را به طرف‌های مقابل خود القا کنند. علی‌رغم تمام مسائل، اما تحولات کنونی منطقه با تحولات پیشین شباهت‌هایی دارد و تفاوت‌های بیشتر در بخش گسترده‌تر شدن نبرد و نه روند آن، مشاهده می‌شود. در ادامه به بررسی مواردی در این خصوص پرداخته شده است.

۱- روند مشابه جنگ‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۲۴

پس از پایان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ که امروز از آن به عنوان «پیروزی مقاومت لبنان» یاد می‌شود، فشارها به شدت بر مقاومت برای خلع سلاح و دور شدن بیشتر از سیاست افزایش یافت. تلاش برای کنترل سیستم ارتباطی مقاومت و خلع سلاح تا سال‌ها پیگیری شد و پس از سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، بالاخره در سال ۲۰۰۹ با شکست مواجه شد. در حال حاضر هنوز یک سال از پایان جنگ میان لبنان و رژیم صهیونی نگذشته است. وقایع سال ۲۰۰۶ در حال تکرار است و از نظر راهبردی، این دو جنگ مشابهت‌هایی دارند. در هر دو جنگ، هدف اصلی نابودی مقاومت لبنان و اشغال جنوب بود که این امر در سال ۲۰۰۶ و ۲۰۲۴ شکست خورد.

پس از پایان فاز نظامی و ناکامی در تحقق هدف اصلی، هدف دوم یا هدف فرعی بر خلع سلاح مقاومت و کاهش اثرات سیاسی آن تمرکز دارد. پس از پایان جنگ سال ۲۰۰۶، فشارهای سنگینی از سوی «فراد سنیه» نخست‌وزیر وقت و دولت‌ش برای خلع سلاح مقاومت و کنترل بر خط مخابراتی آن صورت گرفت که با شدت و ضعف تا سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ که کار به برخورد جدی میان طرفین کشید، ادامه داشت. حالا همان روند پس از جنگ ۲۰۲۴ آغاز شده و صرف شروع نشان‌دهنده پیروزی رژیم صهیونی نیست.

۲- ضایعه سقوط سوریه بر مقاومت لبنان سنگین است اما بی‌سابقه نیست

سقوط سوریه از چند جنبه باعث ایجاد تغییراتی در لبنان شد. نخستین اثر مسدود شدن مسیر تدارکات رسانی به مقاومت لبنان بود. معنای این تدارکات رسانی وسیع است. ارسال سلاح، تزریق نیرو به شکل اضطراری همانند اتفاقی که پس از واقعه پیجری رخ داد، میزبانی از آوارگان که در طول جنگ دو ماهه اتفاق افتاد، نقل و انتقال فرماندهان مقاومت از منطقه به سوریه و سپس حضور در لبنان بخشی از امکانات ارتباطی و تدارکات رسانی به لبنان بودند. سقوط سوریه، مسیر تدارکات رسانی مقاومت به لبنان را در جغرافیایی وسیع‌تر تضعیف کرد. احتمال شورش تکفیری‌ها در عراق که بخشی از جبهه انتقال تدارکات و حمایت‌ها به لبنان بوده است، این مسئله را نشان می‌دهد. همچنین سقوط سوریه نقشی مهم در حمله رژیم صهیونی به ایران ایفا کرد. صهیونیست‌ها تا پیش از این می‌دانستند حمله هوایی به ایران با واکنش گروه‌های

محور مقاومت که در سوریه مستقرند، روبه‌رو خواهد شد. از سوی دیگر سامانه‌های پدافندی سوریه، چه برای هشدار زودهنگام به سیستم دفاعی ایران و چه از نظر درگیری، به ایران کمک می‌کردند. سقوط سوریه با کشیدن تهدید و آتش به عراق و ایران، ضربه‌ای شدید به لبنان وارد آورد.

ادامه در صفحه ۷

